آرمان ملی
armanmeli.ir
سال سوم
شماره ۹۵۹
چهارشنبه
۱۳۹۹•۱۲•۱۳
۱۹ رجب ۱۴۴۲/ ۳ مارس ۲۰۲۱

گزارش

پالرمو در یک قدمی رای مجمع

ادامه از صفحه ۲

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: به نظر من، اف‌ای‌تی‌اف به احتمال زیاد تصویب می‌شود ولی حق تفحص‌ها باید در کنار این موضوع بررسی شود که امروز هم فقط حق تفحص‌ها مورد بررسی است.

با حق تحفظ می‌توانیم منافع ملی را تامین کنیم

یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره فضای مجمع تشخیص برای رای‌گیری مجدد برای لوایح CFT و پالرمو گفت: با توضیحاتی که مسئولان ذیربط دادند و سوالات و ابهاماتی که از سوی احزاب مطرح بود، پاسخ همه سوالات و ابهامات داده شد که نسبت به گذشته نظرات برخی از اعضا تغییر کرد. مجید انصاری اظهار داشت: دولت پیشنهاد داد ما این دو لایحه پالرمو و CFT را که از دو لایحه باقیمانده از ۴ لایحه مرتبط با FATF است را با حق تحفظ تصویب کنیم

این حق مساله مهمی است چون نگرانی عمده اعضای مجمع این بود که در شرایطی که تحریم‌های گسترده و ظالمانه یکسویه از سوی آمریکا بر کشور ایران را شاهد هستیم و از این بابت تامین دارو و مایحتاج پزشکی هم برای ما مشکلاتی دارد که ما ناگزیر برای اقدامات خنثی‌سازی این تحریم‌ها هستیم. وی افزود: پیشنهاد این است که با حق تحفظ این را تصویب کنیم یعنی بگوییم جمهوری اسلامی ایران این دو لایحه را تصویب کند ولی رسما اعلام کنیم تا زمانی که این امر برقرار است اقدامات خنثی‌سازی تحریم‌ها مشمول این لوایح FATF نیست و جمهوری اسلامی ایران خود را ملزم به گزارش دادن به فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با خنثی‌سازی تحریم‌ها نمی‌داند. با این حق تحفظ علی الاصول نگرانی دوستانی که مخالف بودند برطرف می‌شود. معاون سابق پارلمانی رئیس‌جمهور در خصوص تاثیر نامه روحانی بر تغییر نظر اعضای مجمع تصریح کرد: نامه آقای روحانی راه را باز کرد. احساس می‌کنم با این حق تحفظ می‌توانیم منافع ملی را تامین کنیم.

نامه ۲۰۰ نماینده به رئیس مجمع

درحالی که تلاش‌ها برای تصویب لوایح باقی مانده از FATF استوار است مجلس رویکرد دیگری به این موضوع دارد. در این راستا نماینده مردم بوئین‌زهرا در مجلس گفت: همه لوایح چهارگانه FATF مصداق قاعده نفی سبیل است، زیرا این قراردادها یک قرارداد استعماری است و باعث می‌شود که یک کشور مسلمان مطیع تحت اوامر کشورهای بیگانه شود؛ از این رو درحال فشار آوردن به ایران هستند تا این لوایح تصویب شود. عباسپور با بیان اینکه مجلس با تصویب لوایح FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام مخالف است، تصریح کرد: دیروز ۲۰۰ نماینده مجلس با امضای نامه‌ای از آیت‌ا...آملی لاریجانی درخواست کردند که در جلسه آتی مجمع تشخیص مصلحت نظام لوایح FATF را رد کرده و مانع از تصویب شدن آن شوند.

تلاش نمایندگان علیه تصویب FATF!

نمایندگان مجلس در بیانیه‌ای تاکید کردند که با شروع بررسی لوایح FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخی «نشانی‌های غلط» داده شده و مشکلاتی همچون عدم راه‌اندازی اینستکس، عدم امکان انعقاد قرارداد برای خرید ایرباس، عدم امکان خرید واکسن و عدم امکان پرداخت به مربیان فوتبال و از همه مهم‌تر نوسانات و افزایش نرخ ارز، به FATF ربط داده شده است.

حسینعلی حاجی دلیگانی در جلسه علنی نوبت دوم روز(سه‌شنبه) مجلس بیانیه ۱۹۵ نماینده مجلس در مورد تصمیم گیری برای لوایح «قواعد گروه اقدام ویژه مالی» موسوم به FATF را قرائت کرد.

در این بیانیه آمده است:

«همزمان با اجرای برجام توسط ایران، فشارهای پنهان و آشکاری بر کشور وارد آمد تا یکی دیگر از خواسته‌های نظام سلطه یعنی «قواعد گروه اقدام ویژه مالی» موسوم به FATF پذیرفته شود. در فضای جنگ تمام عیار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، خطرناک‌ترین بخش دستورات کاملا سیاسی FATF، پیوستن به دو کنوانسیون استعماری است: یعنی مقابله با تامین مالی تروریسم موسوم به CFT و مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی موسوم به پالرمو. اگر چه وزیر محترم امور خارجه در روند تصویب کنوانسیون CFT در مجلس دهم، به صراحت اعلام کرد که نه ایشان و نه رئیس‌جمهور تضمینی نمی‌دهند که با پیوستن به این کنوانسیون، مشکلات حل شود و تلویحا مشکلات مالی را مستقل از FATF بیان کرد، اما متاسفانه با شروع بررسی لوایح FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخی نشانی‌های غلط داده شد و مشکلاتی همچون عدم راه‌اندازی اینستکس، عدم امکان انعقاد قرارداد برای خرید ایرباس، عدم امکان خرید واکسن و عدم امکان پرداخت به مربیان فوتبال و از همه مهمتر نوسانات و افزایش نرخ ارز، به FATF ربط داده شد. اما هم‌اکنون پوچ بودن همه ادعاهای مذکور عیان شده است. پس از قرائت این بیانیه، شعارهای «ا... اکبر»، «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» نمایندگان در صحن مجلس پیچید.

داریوش قنبری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تندروها نامه خاتمی را ارزیابی نکنند

نامه رئیس دولت اصلاحات نشان‌دهنده تعهد به آرمان‌های انقلاب است

اصلاح‌طلبان حضوری با رهبر انقلاب دیدار کنند

اصلاح‌طلبان باید برای ارتباط با رهبر انقلاب کانال‌هایی را ایجاد کنند

نگاه حذفی بر فضای جریان اصولگرا غالب شده است

تندروها افراد شناسنامه‌دار را از دایره اصولگرایی خارج می‌کنند

نگاه تندروها همواره معطوف به تصاحب قدرت بوده است

عکس: آرمان‌ملی /فاطمه فتاحی

آرمان ملی- احسان انصاری: نامه رئیس دولت اصلاحات به رهبر انقلاب در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری و شرایط خطیر امروز کشور نشان می‌دهد جریان اصلاحات برای حل مشکلات و تعالی نظام حاضر به همکاری و همراهی بیشتر با حاکمیت سیاسی است. رئیس دولت اصلاحات در این نامه با اشاره به حضور جریان اصلاحات در درون خانواده نظام و تقید به آرمان‌های نظام و انقلاب خواستار حل برخی مشکلات داخلی و خارجی شده است؛ نامه‌ای که البته با واکنش برخی اصولگرایان رادیکال مواجه شده و نسبت به آن واکنش‌های منفی نشان داده‌اند. با این وجود عقلای دو جریان سیاسی کشور نوشتن این نامه را از سر دلسوزی و تعهد نسبت به آینده نظام ارزیابی می‌کنند. به همین دلیل «آرمان ملی» با دکتر داریوش قنبری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است. دکتر قنبری معتقد است: «حاکمیت نظام جریان اصلاحات را یک جریان در درون نظام قلمداد می‌کند و به همین دلیل از حرکت مثبت اصلاح‌طلبان برای همراهی و همکاری با نظام استقبال خواهند کرد. بنده بعید می‌دانم از مجموعه حاکمیت نگاه منفی نسبت به جریان اصلاحات وجود داشته باشد. البته در سطوح عالی حاکمیت برخی ناراحتی‌ها نسبت به اصلاح‌طلبان وجود دارد. با این وجود این ناراحتی‌ها جدی نیست و حاکمیت سیاسی کلیت جریان اصلاحات را به عنوان یک جریان درون خانواده نظام و کشور پذیرفته و مورد تایید قرار داده است. در این موضوع نیز هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

رئیس دولت اصلاحات در نامه‌ای که به رهبر معظم انقلاب نوشته‌اند بر همراهی و همکاری جریان اصلاحات برای حل مشکلات موجود جامعه تأکید کرده‌اند. چرا رئیس دولت اصلاحات در مقطع کنونی تصمیم گرفته‌اند این نامه را بنویسند؟

در شرایط کنونی نیاز به ارتباط و هماهنگی بین جریان اصلاحات و نظام و رهبری انقلاب وجود دارد. یکی از مشکلاتی که وجود دارد این است که شرایطی وجود ندارد که جریان‌های سیاسی بتوانند نظرات خود را به محضر رهبر معظم انقلاب منتقل کنند و از سوی دیگر نظرات ایشان را نیز نسبت به رویکرد جریان‌های سیاسی جویا شوند. این مشکلی است که جریان‌های سیاسی و به خصوص جریان اصلاحات با آن مواجه هستند. این یک نیاز جدی است که باید مود توجه قرار بگیرد. البته هنوز از جزئیات نامه رئیس دولت اصلاحات اطلاعات دقیقی در دسترس نیست و منتشر نشده است. با این وجود نفس این اقدام و ارتباط جریان اصلاحات با رهبری یک ضرورت جدی است که در شرایط کنونی نیز این ضرورت احساس می‌شود. به همین دلیل اصلاح‌طلبان باید به این موضوع توجه کنند و کانال‌هایی را برای این ارتباط در نظر داشته باشند. نوشتن نامه به رهبری یکی از راه‌های موثر با رهبری است. با این وجود باید شرایطی فراهم شود که جلسات حضوری نیز بین اصلاح‌طلبان و مقام معظم رهبری برگزار شوند. بدون‌تردید این جلسات می‌تواند تأثیر بسیاری روی نزدیکی بیشتر اصلاح‌طلبان با نظام و رهبری داشته باشد. به نظر می‌رسد رئیس دولت اصلاحات نیز این ضرورت را درک کرده و به همین دلیل نیز اقدام به نوشتن نامه به رهبر انقلاب کرده‌اند. بدون‌تردید این نزدیکی کمک بزرگی به بهبود وضعیت کشور خواهد کرد. در این زمینه هر نوع کانالی که وجود داشته باشد یا در آینده می‌تواند به وجود بیاید دارای اهمیت است. هرچه این ارتباطات افزایش داشته باشد به همان میزان نیز اصلاح‌طلبان می‌توانند با دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب درباره آینده کشور بیشتر آشنا شوند.

در شرایط کنونی جریان اصلاحات چه نقشی می‌تواند در حل مشکلات کشور و همراهی با نظام داشته باشد؟ این همراهی چه پیامدهایی برای جامعه خواهد داشت؟

جریان اصلاحات دلسوز نظام جمهوری اسلامی است و همواره خود را نسبت به دغدغه‌های نظام متعهد می‌داند. هدف جریان اصلاحات نیز تقویت نظام و توسعه و پیشرفت کشور بوده و در این موضوع هیچ تردیدی وجود ندارد. با این وجود ما مشاهده می‌کنیم که پس از انتشار خبر نوشتن نامه رئیس دولت اصلاحات به رهبری برخی از تندروهای اصولگرا نسبت به این نامه واکنش منفی نشان داده‌اند. کار تندروهای اصولگرا به جایی رسیده که بسیاری از اصولگرایان شناسنامه‌دار را نیز از جریان اصولگرایی حذف کرده‌اند و آنها را خارج از دایره اصولگرایی تعریف می‌کنند. به نظر می‌رسد نگاه حذفی در جریان اصولگرایی غالب شده و به همین دلیل برخی از طیف‌های این جریان تلاش می‌کنند چهره‌های شناخته‌شده اصولگرا را که با رویکرد افراطی آنها موافق نیستند، از دایره اصولگرایی خارج کنند. اینکه ما انتظار داشته باشیم طیف رادیکال جریان اصولگرایی نسبت به اقدامات جریان اصلاحات مانند نامه رهبران این جریان، نظر مساعدی داشته باشند انتظار صحیحی نیست و بیهوده است. طیف رادیکال جریان اصولگرا که خود را انقلابی می‌داند همواره نسبت به رویکردهای عقلایی در مدیریت کشور و مدیریت جریان‌های سیاسی انتقاد داشته و واکنش منفی نشان داده‌اند. کار طیف تندروها به جایی رسیده که به فکر حذف رویکردهای عقلایی در درون جریان اصولگرا افتاده‌اند و به همین دلیل قصد دارند افراد شناسنامه‌دار و عقلای معتدل این جریان را از دایره تصمیم‌گیری‌های این جریان کنار بگذارند. این طیف به اصولگرایان دیگر نیز رحم نکرده‌اند. به همین دلیل دیدگاه‌های طیف رادیکال جریان اصولگرایی حتی مورد توجه هم‌حزبی‌های درون این جریان نیز قرار ندارد. شرایط به شکلی است که بسیاری از اصولگرایان معتدل گفتمان این طیف را قبول ندارند و اجازه نمی‌دهند این طیف در تصمیم‌گیری‌های مهم کلیدی جریان اصولگرایی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. این رویه‌ای بوده که از ابتدا در این طیف فکری و سیاسی وجود داشته و در شرایط کنونی برای همه مشخص است.

> **نگاه حذفی در جریان اصولگرایی غالب شده و به همین دلیل برخی از طیف‌های این جریان تلاش می‌کنند چهره‌های شناخته شده اصولگرا را که با رویکرد افراطی آنها موافق نیستند، از دایره اصولگرایی خارج کنند. اینکه ما انتظار داشته باشیم طیف رادیکال جریان اصولگرایی از اقدامات جریان اصلاحات مانند نامه رهبران این جریان نظر مساعدی داشته باشند انتظار صحیحی نیست و بیهوده است**

چرا اصولگرایان نسبت به نوشتن این نامه که در راستای وحدت و انسجام ملی نوشته شده واکنش منفی نشان می‌دهند؟

اصلاح‌طلبان نیازی ندارند دغدغه‌ها و دیدگاه‌های خود را نسبت به آینده نظام و کشور از نگاه طیف رادیکال جریان اصولگرایی مشاهده کنند. اگر موضوع سوابق سیاسی و انقلابی نیز مطرح باشد، طیف رادیکال جریان اصولگرایی دارای سوابق زیادی در عرصه سیاسی و تاریخ انقلاب نیست ولی این طیف به تازگی تاثیر گذار شده است. اگر به گذشته این طیف فکری و سیاسی توجه کنیم اثری از آنها در تاریخ انقلاب و تحولات اجتماعی و سیاسی مشاهده نمی‌کنیم. طیف رادیکال اصولگرایی یک طیف بی‌ریشه است که همواره نگاهی معطوف به قدرت دارد و همیشه به دنبال تصاحب قدرت است. این طیف با ظاهرسازی و برخی اقدامات که بیشتر تظاهر به انقلابی‌گری است تلاش می‌کنند بقیه نیروهای انقلاب را بی‌اثر کنند. هدف اصلی این طیف نیز آن است که اختیارات و امکانات کشور را در اختیار بگیرند. دغدغه این طیف دغدغه کشور و جامعه و حل مشکلات مردم نیست. بدون‌تردید اگر این دغدغه در بین این طیف فکری وجود داشته باشد اجازه نمی‌دهند نیروهای توانمند و مفید به حال جامعه از چرخه مدیریت و تصمیم‌گیری کشور خارج شوند. نوع نگاه این طیف فکری یک نگاه فرصت‌طلبانه برای کسب قدرت و امکانات و اختیارات بیشتر است. در این مسیر نیز هر کسی را که به‌عنوان رقیب در نظر بگیرند تلاش می‌کنند از صحنه حذف کنند تا مانعی برای تحقق خواسته‌های خود نداشته باشند. به هر حال نامه رئیس دولت اصلاحات نامه‌ای از سردلسوزی و تقید به چارچوب‌های نظام است. بدون‌تردید اگر رئیس دولت اصلاحات تقیدی به نظام و آرمان‌های انقلاب نداشتند هیچ‌گاه چنین نامه‌ای را نمی‌نوشتند و نسبت به شرایط کنونی جامعه بی‌تفاوت می‌شدند. تعهد رئیس دولت اصلاحات نسبت به نظام جمهوری اسلامی و آینده کشور باعث شده ایشان چنین نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب نوشته بنویسند. با توجه به شناختی که از روحیات و دغدغه‌های رئیس دولت اصلاحات وجود دارد این نامه از سر خیرخواهی و دلسوزی برای مصالح کشور نوشته شده است. این نکته‌ای است که برخی از مخالفان منصف رئیس دولت اصلاحات، که در جریان اصولگرایی نیز قرار دارند، نسبت به رویکرد ایشان معترف هستند و آن را تصدیق می‌کنند. اصولگرایان معتدل و منصف همواره به تقید و نجابت رئیس دولت اصلاحات باور داشته‌اند. به همین دلیل نیز اینکه عده‌ای تندرو نسبت به نوشتن این نامه واکنش منفی نشان بدهند زیاد دارای اهمیت نیست. طیف تندرو همواره جریان اصلاحات و عقلای اصولگرایی را مانعی برای رسیدن به اهداف خود قلمداد می‌کنند؛ اهدافی که همواره معطوف به کسب قدرت و منافع شخصی بوده است. به همین دلیل دیدگاه طیف رادیکال درباره نوشتن این نامه دارای اهمیت نیست؛ بلکه نکته حائز اهمیت این است که اصلاح‌طلبان نسبت به تعهداتی که نسبت به نظام و کشور دارند، عمل کنند.

> **برخی مخالفان منصف رئیس دولت اصلاحات که در جریان اصولگرایی قرار دارند نسبت به رویکرد ایشان معترف هستند و آن را تصدیق می‌کنند. اصولگرایان معتدل و منصف همواره به تقید و نجابت رئیس دولت اصلاحات باور داشته‌اند. به همین دلیل نیز اینکه عده‌ای تندرو نسبت به نوشتن این نامه واکنش منفی نشان بدهد زیاد دارای اهمیت نیست**

در شرایطی که نامه رئیس دولت اصلاحات به رهبر معظم انقلاب نشان‌دهنده حسن‌نیت و دلسوزی اصلاح‌طلبان نسبت به آینده نظام و کشور است، چه انتظاری از حاکمیت سیاسی وجود دارد؟

حاکمیت نظام جریان اصلاحات را یک جریان در درون نظام قلمداد می‌کند و به همین دلیل از حرکت مثبت اصلاح‌طلبان برای همراهی و همکاری با نظام استقبال خواهند کرد. بنده بعید می‌دانم مجموعه حاکمیت دارای نگاه منفی نسبت به جریان اصلاحات باشد. البته در سطوح عالی حاکمیت برخی ناراحتی‌ها نسبت به اصلاح‌طلبان وجود دارد. با این وجود این ناراحتی‌ها جدی نیست و حاکمیت سیاسی کلیت جریان اصلاحات را به عنوان یک جریان درون‌خانواده نظام و کشور پذیرفته و مورد تأیید قرار داده است. در این موضوع نیز هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. ما باید بپذیریم که باید در فضای جامعه تفکرات و صداهای مختلفی وجود داشته باشد که همگی در چارچوب نظام و با پذیرش چارچوب‌های قانونی نظام فعالیت کنند. نگاه حاکمیت به جریان اصلاحات نیز همواره به این شکل بوده که این جریان را یک جریان درون گروهی و موثر در معادلات سیاسی کشور قلمداد کرده است. دلیلی هم وجود ندارد که نگاه حاکمیت نسبت به اصلاح‌طلبان تغییر کرده باشد یا به سمت یک نگاه منفی تغییر کرده باشد. نیروهای جریان اصلاحات همواره خود را نیروهای درون نظام قلمداد کرده و در مسئولیت‌هایی که در گذشته داشته‌اند با عملکرد موفق خود به تعالی نظام و توسعه کشور اهتمام داشته‌اند. به همین دلیل نگاه حاکمیت به نیروهای اصلاح‌طلب یک نگاه مثبت است.

> **این تصور محاسبه‌گرایانه نیست که اقدامی انجام شود و در مقابل انتظار داشته باشیم با این اقدام طرف مقابل را نیز به بازی بگیریم. در عالم سیاست باید این نکته را در نظر داشت که طرف مقابل نیز حداقل به اندازه ما دقت دارد**

نامه رئیس دولت اصلاحات در شرایط کنونی چه نقشی در مناسبات انتخابات آینده ریاست‌جمهوری خواهد داشت؟ آیا این نامه و ارتباط نزدیک‌تر اصلاح‌طلبان و حاکمیت سیاسی می‌تواند شرایط حضور گزینه‌های اصلاح‌طلب را در انتخابات آینده فراهم کند و به تبع آن میزان مشارکت مردم در انتخابات افزایش پیدا کند؟

قطعا در انتخابات آینده گزینه‌های جریان اصلاحات حضور خواهند داشت. این اتفاق در گذشته رخ داده و در آینده نیز رخ خواهد داد. در انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری گذشته همواره دو جریان سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب برای به دست آوردن قوه مجریه با هم رقابت کرده‌اند. در این رقابت نیز گاهی اصلاح‌طلبان به پیروزی رسیده‌اند و در مقاطعی نیز اصولگرایان موفق عمل کرده‌اند. این رقابت در آینده و در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز وجود خواهد داشت. بنده بعید می‌دانم شرایط رقابت سیاسی در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده وجود نداشته باشد. در انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی شرایط برای رقابت دو جریان سیاسی به معنای واقعی وجود نداشت. به همین دلیل نیز میزان مشارکت مردم در انتخابات نسبت به انتخابات گذشته کاهش چشمگیری پیدا کرده بود. به نظر می‌رسد اراده حاکمیت سیاسی کشور در انتخابات ریاست‌جمهوری حضور مشارکت بالای مردم در انتخابات است. این رویکرد در اظهارات مقام معظم رهبری و دیگر مسئولان نظام نیز وجود دارد. در نتیجه حاکمیت سیاسی به دنبال حذف اصلاح‌طلبان به عنوان مهمترین و موثرترین جریان سیاسی کشور در انتخابات نیست. در همه انتخابات ریاست‌جمهوری همواره گزینه یا گزینه‌هایی از جریان اصلاحات در انتخابات وجود داشته است. این مساله به خوبی نگاه مثبت حاکمیت سیاسی نسبت به جریان اصلاحات را نشان می‌دهد. در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان بیکار ننشسته‌اند و در حال رصد شرایط سیاسی کشور هستند. استراتژی اصلی اصلاح‌طلبان این است که با یک گزینه اصلاح‌طلب وارد انتخابات شوند تا بتوانند برنامه‌های خود را اجرا کنند. اگر شرایط به شکلی رقم بخورد که اصلاح‌طلبان بتوانند با گزینه‌های اصلی خود در انتخابات حضور پیدا کنند احتمال مشارکت بالای مردم در انتخابات افزایش پیدا خواهد کرد. بدون‌تردید اگر گزینه‌های اصلی جریان اصلاحات در انتخابات حضور داشته باشند سبب به وجود آمدن شور و نشاط انتخاباتی در کشور خواهد شد و انگیزه مردم برای حضور در انتخابات بیشتر خواهد شد. در غیر این صورت نمی‌توان انتظار داشت میزان مشارکت مردم در انتخابات قابل‌قبول باشد.

یادداشت

معاف از مالیات چه صیغه‌ای است؟

محمد فاضلی
استاد دانشگاه

مالیات حداقل با سه هدف ستانده می‌شود: هدف مالی، هدف بازتوزیعی و هدف تنظیم‌گری. دولت‌ها برای تامین مالی خود و تولید کالاهای عمومی اعم از امنیت، نظام اداری و ... مالیات می‌گیرند. مالیات ابزاری برای بازتوزیع است و جلوگیری از شکل‌گیری نابرابری‌های شدید، یعنی کاستن از ثروت و دارایی ثروتمندان و بازتوزیع میان گروه‌های کم‌برخوردار طبق قواعد مشخصی که البته مساله‌ای به‌شدت مناقشه‌برانگیز است. کارکرد سوم مالیات هم تنظیم کردن انگیزه‌هاست. دولت اگر بخواهد در حوزه‌ای از اقتصاد سرمایه‌گذاری بیشتری داشته باشد یا فعالیت در بخشی را کاهش دهد (مثلا صنایع آلوده‌کننده) از ابزار مالیات برای تشویق یا تنبیه استفاده می‌کند. مالیات‌ستانی یک کارکرد بزرگ دولت‌سازی هم دارد. تلاش دولت‌ها برای مالیات‌ستانی در اصل به معنای شناسایی شدن شهروند برای دولت و حکمرانی است. یک نظام مالیاتی درست، فعالیت اقتصادی فرد را رصد می‌کند، منشأ درآمد و مقصد هزینه‌کردهای او را شفاف می‌کند و با مالیات است که شهروند در صفحه رادار حکمرانی آشکار می‌شود. شهروندی که پرونده مالیاتی ندارد (نه کسی که پرونده دارد و به هر دلیلی مشمول مالیات نمی‌شود، مثلا درآمدش زیر حداقل مشمول مالیات است) در رادار حکمرانی نیست. این مقدمه اجازه می‌دهد که بپرسیم «معاف کردن از مالیات برای برخی اقشار کدام یک از کارکردهای نظام مالیاتی را تقویت می‌کند؟ و با چه هدفی صورت می‌گیرد؟» از بحث انواع مالیات (نظیر مالیات بر درآمد افراد، مالیات بر درآمد شرکت‌ها، و مالیات بر ارزش افزوده) و مالیات مستقیم و غیرمستقیم که بگذریم، سوال این است که چرا باید گروه‌هایی مثل هنرمندان، قضات دادگستری، اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها، کل بخش کشاورزی، برخی بنیادها و سازمان‌ها و ... معاف از مالیات باشند؟ کارکرد معلم مدرسه با استاد دانشگاه چه فرقی دارد که دومی باید معاف باشد و اولی نباشد؟ فرق بخش کشاورزی با صنعت چیست که اولی معاف از مالیات است؟ چند دهه از اعمال معافیت مالیاتی بر برخی گروه‌ها می‌گذرد -از جمله کشاورزی، هنرمندان و ... - و جا دارد بپرسیم این معافیت‌ها چه تاثیری بر این گروه‌ها داشته و اثر تنظیم‌گری معافیت مالیاتی چه بوده است؟ سوال مهم‌تر این است که مگر کشاورزان، هنرمندان، قضات و استادان دانشگاه در یک سطح از درآمد، دارایی و فعالیت اقتصادی هستند که به صورت مقوله‌ای معاف می‌شوند؟ آیا در این کشور بین کشاورزی که دو هکتار زمین دارد با کشاورزانی که بیش از پنجاه هکتار و تا بالای چند هزار هکتار زمین دارند، تفاوتی نیست که هر دو باید معاف از مالیات باشند؟ آیا بین اساتید از استادیار تا استاد تمام با حقوق حدود بیست میلیون تومان تفاوت نیست؟ آیا قضات همه در یک رده درآمدی هستند؟ آیا هنرمندان همگی یک میزان درآمد دارند؟ کسب‌وکارهای حوزه فرهنگ چرا باید همگی از مالیات معاف باشند؟ کدام نظام مالیاتی توسعه‌یافته بر مبنای قشر اجتماعی سامان یافته است؟ معافیت از مالیات سبب خارج شدن از رادار حکمرانی نمی‌شود؟ معافیت از مالیات سبب تلاش برای لابی‌گری و خود را در یکی از گروه‌های معاف قرار دادن نمی‌شود؟ آیا معاف کردن از مالیات تنها راه حمایت و تنظیم‌گری است. حمایت از هنر و فرهنگ را نمی‌توان با آزادسازی، کاستن از نظارت‌های بی‌دلیل، سانسور و ... انجام داد و به جای معافیت مالیاتی زمینه توسعه کسب‌وکارهای این حوزه را فراهم کرد؟ اصلاحات و کمک به بخش کشاورزی با اصلاح قیمت‌های نسبی بهتر صورت می‌گیرد یا با معافیت‌های مالیاتی؟ معافیت‌های مالیاتی این بخش به حال محیط‌زیست در حال احتضار ایران سودمندترند یا اصلاحات در قیمت‌های نسبی و شکل دادن به بازارهای سامان‌مند به عنوان کارکرد اصلی حکمرانی اقتصادی؟ بحث در این باره بسیار است، اما اگر برای هشدار و تحریک به آغاز گفت‌وگو باشد، همین مقدار کافی است. دولت‌سازی، مبارزه با فساد، کاهش کسر بودجه، کاستن از تورم، اصلاح وضعیت وخیم نابرابری و حکمرانی اقتصادی موثر و توسعه‌گرا بدون اصلاح نظام مالیاتی ممکن نیست. جامعه و اقتصاد ایران بدون گشودن پرونده نظام مالیاتی و اصلاح این وضع نابسامان، راهی به سوی توسعه نخواهد یافت. معافیت‌های فعلی سیاست اقتصادی نیستند، بلکه بازتاب اقتصاد سیاسی بیمارند.

دیدگاه

شادی آیت‌ا... هاشمی از شکست علی کریمی!

ادامه از صفحه اول

حالا سال‌هاست از رفتن آیت‌ا... هاشمی گذشته ولی همانطور که پیش‌بینی کرده بود سنت عزتمندانه «شکست خوردن به‌خاطر مردم»، تا همیشه پابرجاست. برای همین نگارنده معتقد است آیت‌ا... هاشمی از شکست ظاهری علی کریمی - شخصیت محبوب میلیون‌ها ایرانی- در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال، نه تنها غمگین نشد که بسیار هم شاد شد! چون اگر «اکبر هاشمی» به مدد همین شکست‌های ظاهری، نماد پهلوانی سیاسی شد، علی کریمی هم امروز نماد پهلوانی ورزشی و اجتماعی شده است. هرچند علی کریمی هم در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال فقط ۹ رای آورد ولی قریب ۹۰ میلیون رای در دل ایرانیان سراسر جهان به نامش ثبت شد. این درس بزرگ علی کریمی برای تمام سیاسیون کشور بود. درسی که آیت‌ا... هاشمی هم قبلا به تمام و کمال آن را عملی کرده بود که راز پهلوانی، فقط در پیروزی نیست. گاهی می‌شود به ظاهر شکست خورد ولی «عزیز ملت» شد. اینها شعار نیست، عاقبت آیت‌ا...هاشمی را که همه دیدند. یقینا آخر کار علی کریمی هم با عزت بزرگی همراه خواهد شد. انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ فراتر از یک قهرمان سیاسی به یک «پهلوان سیاسی» احتیاج دارد. همانطور که فوتبال ما جز با امثال «علی کریمی» به سرمنزل مقصود نخواهد رسید، ساحت سیاسی کشور هم نیازمند «پهلوانی‌های سیاسی» است وگرنه «قهرمان‌سازی‌های دروغین» عاقبتی جز سرنوشت «امروز احمدی‌نژاد» که در روزگاری نه چندان دور «قهرمان ایران و منطقه» می‌نامیدندش، نخواهد داشت. والسلام